

تصادف زنجیره‌ای ۴۳ خودرو در کره جنوبی

برخورد زنجیره‌ای دست‌کم ۴۳ خودرو در غرب کره جنوبی به مصدومیت ۹ نفر منجر شد. به گزارش شینهو، این حادثه حدود ساعت ۶ صبح به وقت محلی در بزرگراهی در نزدیکی «گوپانگ»، شهری در غرب ستؤل، پایتخت این کشور رخ داد. بنابر گزارش‌های اولیه ۹ نفر در این سانحه جاده‌ای مصدوم شدند. شاهدان عینی می‌گویند هر ۹ مصدوم، راننده‌های خودروهای آسیب‌دیده هستند به بیمارستان منتقل شدند. تا ساعاتی پس از تصادف، چندین کیلومتر از بزرگراه بسته بود، هرچند با کنترل پلیس و تلاش آتش نشانان مسیر، پاکسازی و بازگشایی شد. پلیس اعلام کرده است که برف و یخ فشرده شده و لغزنده روی جاده دلیل اصلی حادثه بوده است.

کینه خانوادگی برای قتل پسر خردسال

داماد جوان در پی اختلاف با خانواده همسرش ۹ نفر از آنها را مسموم کرد و پس از کشتن پسر خردسال یکی از افراد

خانواده همسرش، بازداشت شد. بقیه اعضای خانواده با تلاش پزشکان در بیمارستان نجات یافتند.

به گزارش خبرنگار جام جم، بامداد سه‌شنبه بیست و پنجم دی امسال، مردی در تماس با اورژانس شهرستان دامغان استان سمنان اطلاع داد که جسد پسر سه‌ساله همسایه‌شان را مقابل خانه آنها یافته است و همچنین بوی گاز از خانه آنها به مشام می‌رسد. نیروهای امدادی اورژانس خود را به محل رساندند و جسد کودک را یافتند. آنها با قطع گاز، وارد خانه شدند و مشاهده کردند ۱۰ نفر اعضای این خانواده، همگی بر اثر مسمومیت با گاز منواکسید کربن بیهوش شده‌اند. باتوجه به این که این افراد بیهوش شده بودند و پسر خردسال بر اثر ضربه‌های چاقو به قتل رسیده بود، به پلیس خبر دادند. در ادامه بقیه اعضای خانواده به بیمارستان منتقل



شدند. چند نفر از آنها که در بیمارستان به‌هوش آمده و حالشان بهتر شده بود، در تحقیقات پلیسی گفتند که شب قبل در این خانه مهمانی بوده و چند خانواده همراه صاحبخانه حضور داشتند اما بعد از خوردن شیر موز بدحال و بیهوش شده‌اند. ماموران در تحقیقات متوجه شدند داماد خانواده در میان مهمان‌ها بوده که ناپدید شده است. با ظنن شدن ماموران به این فرد، او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت تا این‌که قاتل ۲۵ ساله، ساعاتی بعد در مخفیگاهی شناسایی و بازداشت شد. متهم با انتقال به پلیس منکر جرایم خود شد اما در ادامه تحقیقات اعتراف کرد و گفت: سال‌ها قبل دچار ناراحتی اعصاب بودم و قرص و دارو مصرف می‌کردم. حتی بستری هم شدم. مدتی حالم خوب بود تا این‌که حالم دوباره بدتر شد. حتی شش سال قبل و بعد از ازدواج با دختر این خانواده نیز همچنان دارو مصرف می‌کردم. این‌اواخر دچار اختلاف‌های زیادی با برادر همسرم شده بودم. همه تلاش می‌کردند که این اختلاف را پایان دهند اما من همچنان از او و بقیه خانواده همسرم کینه داشتم.

شامگاه دوشنبه نیز جشن روز پدر در خانه برادرزنم برگزار شده بودند. من، همسر و فرزند خردسال هم برای شرکت در آن مهمانی به خانه برادرزنم رفتم و همه خانواده جمع بودند. چون از برادرزنم و خانواده‌اش کینه داشتم، تصمیم گرفتم آنها را به قتل برسانم. بنابر این شیرموز برای همه اعضای خانواده گرفتم و برای‌شان به آن جشن مهمانی بردم. وی افزود: اما از قبل در آن شیرموزها دارو و قرص بیهوشی ریخته بودم تا جان همه آنها را بگیرم؛ حتی همسر و فرزند خود را که در میان افراد حاضر در مهمانی بودند. ساعت ۲۲ شب بود که همه شیرموزها را نوشیدند بیهوش شدند و هرکدام کتجی از اتاق افتادند. در میان اعضای خانواده، متوجه شدم پسر سه‌ساله برادرزنم از آن کم خورده و بیهوش نشده است. با دیدن این صحنه می‌دانستم که او ممکن است مرا لو بدهد. چاقو برداشتم و او را با ضربه‌های چاقو به قتل رساندم، جسدش را هم در کوچه مقابل خانه‌شان انداختم. بعد به داخل خانه باگشتم و شیر گاز را بازکردم تا اگر بر اثر بیهوشی

اعضای خانواده فوت نکردند، بر اثر استنشاق گاز منواکسید کربن می‌خواستم همه فکر کنند آنها بر اثر گازگرفتگی فوت کرده‌اند و کسی به من مشکوک نشود. چاقو را دور انداختم و شبانه فرار کردم اما ساعاتی بعد با کشف جسد پسر برادرزنم و یافتن افراد بیهوش در خانه، ردم در این ماجرا به دست آمد و من که در مخفیگاهم پنهان شده بودم، بازداشت شدم. سرهنگ عرب، فرمانده انتظامی شهرستان دامغان در این باره به جام جم گفت: با اعتراف اولیه متهم او در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد. این در حالی است که ۹ نفر دیگر مسموم شده با تلاش پزشکان در بیمارستان نجات یافتند اما همچنان بستری و تحت درمان هستند.

نظمیه

شکایت مرد زندانی راز قاتل مادرش را فاش کرد

شکایت مرد زندانی از دوست کینه جویش باعث راگشایی قتل مادر خود به دست او شد. با دستگیری قاتل او اعتراف کرد وی قصد انتقام از دوستش را داشته که اشتباهی مادر او را کشته است.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل هفته گذشته مردی جوان که در یکی از زندان‌های تهران به اتهام سرقت بازداشت شده بود، شکایتی علیه دوستش مطرح کرد و مدعی شد او قاتل مادرش است. پرونده‌ای در این باره در دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و تحقیقات در دستورکار پلیس جنایی پایتخت قرار گرفت. مرد زندانی به اداره پلیس منتقل شد و در اظهاراتش گفت: سال‌هاست خلاف می‌کنم و بارها زندانی شدم. چندی قبل بابت سرقت موتورسیکلت و خرید و فروش وسایل سرقتی خانه‌ها و موتورسیکلت دوباره به زندان افتادم. مادرم به ملاقاتم می‌آمد اما چند هفته‌ای خبری از او نبود تا این‌که چند روز پیش برادرم تلفنی با من حرف زد و متوجه شدم مادرم فوت کرده است شوکه شدم. او برایم تعریف کرد دوست قدیمی‌ام رامین بابت اختلاف و درگیری‌ای که بر سر کارهای خلاف مان با من داشته، به قصد انتقام‌گیری و گرفتن جان من به مقابل خانه‌مان در جنوب غرب تهران آمده و خانواده‌ام هر چه گفتند من زندان هستم باورش نشده و محل راترک نکرده است. اعضای خانواده‌ام با او درگیر شدند. اما وی با خود رویش مادرم را مصدوم کرده که او بعد از چند روز بستری شدن در بیمارستان فوت نموده است. خودرو را هم جا گذاشته بود اما شبانه آمده‌ان و را بریده است.

وی افزود: خانواده‌ام گمان می‌بردند ما جراتصادف بوده و بابت تصادف شکایت کردند اما وقتی کارشناسان راهور به محل آمدند، وضعیت را بررسی و فیلم دوربین مغازه همسایه‌مان را بازبینی کردند که معلوم شد آن مرد مهاجم برخوردش با مادرم تصادفی نبوده، بلکه عمدی او را زیر گرفته و کشته است. اکنون از متهم فراری بابت قتل عمد شکایت دارم.

سپس خواهر و برادر این مرد هم احضار شدند و گفته‌های او را تأیید کردند و از مرد فراری به اتهام قتل عمد شکایت کردند. متهم تحت تعقیب قرار گرفت تا این‌که چند روز پیش در خانه یکی از دوستانش در شمال غرب تهران بازداشت شد. او در تحقیقات اولیه مدعی بود در آن دعوا قصد فرار از مهلکه را داشته که ناخواسته با مادر مرد زندانی برخورد کرده و در تصادف باعث مرگ او شده است.

اما وقتی پی برد فیلم دوربین مدار بسته تصویرش را ثبت کرده و کارشناسان راهور عمدی بودن تصادف را تأیید کردند، اعتراف کرد و گفت: با پسر مقتول سال‌ها دوست بودم. خلاف می‌کردیم. این‌اواخر اختلاف و مشکلاتی میان ما رخ داد و دشمن شدیم. او پشت سرم حرف‌های نامربوط زده بود. همین مرا آذیت می‌کرد. از دوستانم شنیده بودم چون از من کینه کرده دو بار مرا به پلیس لو داده که باعث دستگیری‌های قبلی‌ام شده است. از او کینه به دل گرفتم و دنبال انتقام بودم. مقابل خانه‌شان رفتم تا کار را با او یکسره کنم. خانواده‌اش می‌گفتند زندان افتاده‌ام اما من حرف‌هایشان را باور نکردم. نمی‌گذاشتند وارد خانه‌شان شوم تا او را ببیداکنم. مادرش از من می‌خواست آبروبریزی نکنم و از آنجا بروم. وی افزود: همان موقع به ذهنم خطور کرد اگر مادرش را زیر بگیرم که مصدوم شود و صدای ناله‌های او را بشنود حتما از خانه بیرون می‌آید. مادرش را زیر گرفتم که به شدت مصدوم شد. خودرو را جا گذاشتم و فرار کردم. شب آمدم و آن‌را مخفیانه برداشتم و رفتم. چند روز بعد از طریق دوستانم فهمیدم آن زن فوت کرده و واقعا فرزندش در زندان است. مدتی در خانه دوستان و اقوام پنهان شدم تا این‌که پلیس مرا بازداشت کرد. تصمیم اشتباهی من برای انتقام، ناخواسته مرا قاتل کرد. سرهنگ کارا که ارامتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ با تأیید این خبر به جام جم گفت: متهم به قتل در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از وی ادامه دارد. همچنین خانواده مقتول با حضور در دادسرای جنایی تهران برای قاتل مادرشان درخواست قصاص کردند.



سه مرد که در جنایتی مشترک پسری را به دلیل نگهداری کارت حافظه حاوی عکس و فیلم خصوصی زنی از بستگان‌شان کشته بودند، برای دومین بار یاری میز محاکمه ایستادند. متهمان پیش از این نیز به قصاص محکوم شده بودند.

به گزارش خبرنگار جام جم رسیدگی به این پرونده از آخرین روزهای دی سال ۱۴۰۰ و با کشف جسد مرد ناشناسی در بیابان‌های پاکدشت آغاز شد. با حضور تیم جنایی در محل، مشخص شد چند روزی از مرگ مرد جوان می‌گذرد. به همین خاطر جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. کارشناسان بعد از معاینه جسد اعلام کردند ضرب و جرح شدید و شکستگی‌های روی بدن مرد جوان، باعث مرگ او شده است. باتوجه به شناسایی نشدن هویت

مقتول، جسد به عنوان مجهول‌الهویه دفن شد. با گذشت سه ماه از کشف جسد، مردی میانسال با حضور در پلیس آگاهی تهران با طرح شکایتی گفت پسرم به نام مهرداد ۲۶ ساله، دی‌ماه سال گذشته به تهران آمد و بعد از آن ناپدید شد. او با زنی به نام نگین در ارتباط بود و قصد داشت به دیدن این زن برود، حالا احتمال می‌دهیم بلایی سر او آمده باشد.

کارا گاهان که احتمال می‌دادند جسد کشف‌شده در بیابان متعلق به مهرداد باشد، از این مرد خواستند عکس‌های مقتول را بررسی کند که او پیکر پسرش را شناسایی کرد. به این ترتیب روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و ماموران جست‌وجو برای یافتن نگین را آغاز کردند. با بررسی تماس‌های مهرداد، ماموران به زن جوان رسیده‌و او را دستگیر کردند که در ابتدا منکر ارتباط با مهرداد شد اما در ادامه گفت: مهرداد از من فیلم و عکس‌های خصوصی داشت و اخاذی می‌کرد. به همین خاطر موضوع را به دو برادرم و همسرم گفتم و آنها آخرین بار با مهرداد قرار گذاشتند تا عکس و فیلم‌های خصوصی‌ام را از او بگیرند. پس از اظهارات نگین تحقیقات برای دستگیری دو برادرش به نام‌های نادر و نریمان و همچنین شوهرش سهیل آغاز شد. آنها پنج ماه بعد از جنایت دستگیر و به کشتن مهرداد با انگیزه ناموسی اعتراف کردند.

به این ترتیب برای سهیل و دو برادرزنش به اتهام مشارکت در قتل و برای نگین به اتهام معاونت در جنایت کیفرخواست صادر گردید و پرونده آنها در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران رسیدگی شد. در این جلسه پدر مهرداد برای قاتلان پسرش درخواست قصاص کرد.

سپس نادر ۳۷ ساله در جایگاه ایستاد و در دفاع از خود گفت: یک روز نگین سراغم آمد و از مزاحمت‌های مردی به نام مهرداد خبر داد. مهرداد عکس و فیلم‌های شخصی خواهرم را به دست آورده بود و با آن قصد اخاذی داشت. او

محکمه

قتل پسر جوان به خاطر عکس‌های خصوصی یک زن



می‌رسید شوهرش متوجه ماجرا شود و او را طلاق دهد. موضوع را با برادر کوچک‌ترم و شوهر نگین در میان گذاشتم. در ادامه جلسه دادگاه نریمان ۳۴ ساله هم در دفاع از خود گفت: مهرداد وقتی خواهرم به خانه پدری‌مان در اسدآباد آمده بود، سراغ او آمده و به زور گوشی‌اش را گرفته، عکس و فیلم‌های شخصی‌اش را برای خود ارسال کرده بود. بعد هم با این عکس و فیلم‌ها قصد اخاذی داشت. ما او را به بیابان‌های اطراف پاکدشت بردیم و فقط خواستیم کارت حافظه‌ای که عکس‌ها داخل آن است را به ما بدهد. کتکش زدیم و او در نهایت تسلیم شد و آن کارت حافظه را به ما داد. ما فقط چند سبلی به صورت او زدیم اما مرتکب قتلش نشدیم.

همسر نگین هم در دفاعیاتش گفت: مهرداد گوشی تلفن همسرم را هک کرده و به عکس‌های خصوصی او دسترسی پیدا کرده بود. او از همسرم اخاذی می‌کرد و به همین خاطر من و برادرزن‌هایم او را سوار ماشین کرده و به بیابان‌های اطراف پاکدشت بردیم. ما برای این‌که او را تنبیه کرده باشیم، لباس‌هایش را از تنش بیرون آوردیم و با آن پاهایش را بستیم. وقتی او ارتک کردیم، هنوز زنده بود. در پایان نوبت به نگین رسید که در برابر اتهام معاونت در قتل از خود دفاع کند. او با انکار اتهامش گفت: من در اینستاگرام با مهرداد آشنا شدم. او اعتیاد داشت. به او گفته بودم که شوهر و بچه دارم. قول دادم با مادرش صحبت کنم تا به او کمک کند که مواد مخدر را کنار بگذارد. یک روز به من گفت با مادرش دعوا کرده و مادرش او را از خانه بیرون انداخته است. وقتی به مقابل خانه پدرم در اسدآباد آمد، گوشی تلفن همراهم را گرفت و عکس‌های خصوصی‌ام را به گوشی خودش منتقل کرد. من هم موضوع را به برادرانم و شوهرم گفتم و آنها برای پس گرفتن عکس‌ها با مهرداد قرار گذاشتند.

پس از دفاعیات متهمان، قضات وارد شور شده و

۵۰ نفر در محله‌های لس آنجلس تحت تأثیر آتش‌سوزی‌های ایتون و پالیزید که برای غارت اموال مردم و خرابکاری و نقض قانون پرسیه می‌زدند، بازداشت شدند. به گزارش سی‌ان‌ان، افراد بازداشت‌شده با اتهاماتی از غارت و دزدی گرفته تا ورود غیرقانونی و خرابکاری رویه‌رو هستند و دستگیری‌هایی در ارتباط با حوادث پهنادی وجود داشته است. دومینیک چوی، دستیار رئیس پلیس لس آنجلس گفت که اداره پلیس لس آنجلس ۱۴ نفر از آنها را در داخل شهر دستگیر کرده است. سه مورد بازداشت برای نقض مقررات منع آمد وشد، یک مورد برای جعل هویت یک آتش‌نشان، یک مورد برای داشتن ابزار سرقت، چهار مورد برای سرقت، یک مورد برای مصرف مواد مخدر، یک مورد برای خرابکاری و سه مورد برای سرقت از مغازه بوده است.



جام جم

حوادث INCIDENT

۱۹

چهارشنبه ۲۶ دی ۱۴۰۳ شماره ۶۹۵۸

کوتاه از حوادث

جنایت نبود، آراستان بود

کارشناسان میراث فرهنگی در بی کشف یک مجسمه و اسکلت انسان در کارواش خودرو در تهران نظر دادند سالیان قبل در آنجا آرامستان بوده که باز بین رفتن آن این پیکره انسان کشف شده است. به گزارش خبرنگار جام جم، یک مجسمه و اسکلت انسان عصر نهم تیر امسال موقعی که کارگران برای تعمیر لوله‌های آب بخشی از محیط کارواش خودرو در نزدیکی امامزاده معصوم (ع) تهران به آنجا رفته و مشغول کار بودند، در عمق دو متری محلی که حفری می‌کردند، یافتند. در جریان تحقیقات از افرادی که در آنجا کار می‌کردند متوجه شدند؛ ۲۰ سال قبل این مکان زمین بابر و متعلق به دو مرد بوده که با هم شراکت داشتند که دچار اختلاف شده و یکی از آنها کشته و در این سال‌ها نمی‌دانند او پیدا شده یا نه و احتمال می‌دهد این مجسمه و اسکلت انسان متعلق به آن مرد باشد. سرانجام با گذشت هفت ماه از این ماجرا مأموران رد آن دو شریک را یافتند که مشخص شد هر دو زنده‌اند. در روز پیش، کارشناسان میراث فرهنگی که در ارتباط با مجسمه و اسکلت بررسی می‌کردند، نظر دادند، در محلی که این بقایا یافت شده، سال‌ها پیش آرامستان قدیمی بوده و افرادی در آنجا دفن شده‌اند. بنابر گفته آنها، این مجسمه و اسکلت متعلق به یکی از افرادی است که در آن آرامستان دفن شده و اکنون پس از سال‌ها دل خاک بیرون آمده است. محسن اختیاری، بازرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: چون جنایتی رخ نداده بود پرونده بسته شد.

مرگ مشکوک پیرمرد در سرای سالمندان

با مرگ مشکوک مردی ۷۰ ساله در سرای سالمندان، یکی از اقوامش، اموال او را تصاحب کرد که با شکایت فرزند وی، تحقیقات برای بازگشایی از ماجرای مرگ او آغاز شد. به گزارش خبرنگار جام جم، روز دوشنبه بیست و چهارم دی امسال مردی جوان با حضور در شعبه اول بازپرسی دادسرای جنایی تهران شکایت کرد که مرگ پدر ۷۰ساله‌اش مشکوک بوده و خواستار راگشایی از این ماجرا شد. او گفت: دو سال قبل مادرم فوت کرد، پدر ۷۰ ساله‌ام که بازنشسته بود، نیز در خانه‌اش در شمال تهران تنها زندگی می‌کرد. خواهرم سال‌ها بود به خارج از کشور رفته و من و همسرم هم مدتی بود برای ادامه زندگی به خارج از کشور رفته بودیم. اواسط آذر امسال مردی از اقوام من به تلفنی خبر داد به خانه ما رفته و پدرم را بد حال یافته است. از او خواستیم پدرم را به بیمارستان منتقل کند اما او گفت، چون من و خواهرم خارج از کشور هستیم و او نیز شرایط نگهداری از پدرم را ندارد وی را به مرکز درمانی و بعد برای این‌که از او به‌درستی نگهداری کنند پدر را به سرای سالمندان منتقل خواهد کرد. دو روز بعد، او از طریق تلفن به من اطلاع داد که پدرم را به آنجا برده که فوت شده است. در نتیجه، آن مرد که از اقوام‌مان بود، بدون اینکه منتظر ما بماند، پیکر پدرم را دفن کرد. چند روز پیش که شرایط‌مان بهتر شد و به ایران بازگشتیم، متوجه شدیم این مرد تمام اسناد و مدارک مالی، کارت‌های بانکی و اموال قیمتی پدرم را برداشته و آنها را با متحولیل نمی‌دهد. پدرم طلاهای میلیاردری زیادی در خانه داشت و هنوز نمی‌دانیم وضعیت آنها چه شده است. مرد جوان افزود: از او خواستیم مراقب پدر باشد و شرایطش را به ما تلفنی خبر دهد. برای بازگشت به ایران در تلاش بودم که شرایطم فراهم شد. دو روز بعد او تلفنی به من خبر داد که پدرم را به سرای سالمندان منتقل و در آنجا فوت کرده است. به خاطر شرایط نامساعد، من و خواهرم نتوانستیم برای خاکسپاری پدرمان اقدام کنیم. در نتیجه، آن مرد که از اقوام‌مان بود، بدون این‌که منتظر ما بماند، پیکر پدرم را دفن کرد. چند روز پیش که شرایط‌مان بهتر شد و به ایران بازگشتیم، متوجه شدیم که این مرد تمام اسناد و مدارک مالی، کارت‌های بانکی و اموال قیمتی پدرم را برداشته و آنها را به ما تحویل نمی‌دهد. پدرم طلاهای میلیاردری زیادی در خانه داشت و هنوز نمی‌دانیم وضعیت آنها چه شده است. شاکي ادامه داد: زمانی که آن مرد مدعی بود پدرم را بستری کرده، به‌سرعت به خانه بازگشته و اموال را برداشته و باخود برده بود. هرچه از او خواستیم اموال پدرم را که بدون اجازه برداشته به ما برگرداند، او توجهی نکرد. من به مرگ پدرم مشکوک هستم، زیرا کارشناسان پزشکی قانونی اعلام کردند، مرگ پدرم بر اثر اصابت جسمی به بدنش بوده که این موضوع رابرای ما پیچیدتر کرده است. اکنون از این مرد آشنا شکایت داریم تا علاوه بر افشای راز مرگ پدرم، مشخص شود چرا او اموال را تصاحب کرده و به ما تحویل نمی‌دهد. محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: با شکایت پسر مرد فوت شده، دستور تحقیقات از مرد آشنا برای مشخص شدن ابعاد این پرونده صادر شد.